

مفهوم و مؤلفه‌های قاعده حسن نیت در حقوق مسئولیت مدنی

احمد دیلمی*

استادیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی دانشکده حقوق دانشگاه قم

(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۳/۱۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۸۸/۵/۲۵)

چکیده:

مفهوم حسن نیت چیست؟ آیا این واژه معنایی خاص در ادبیات مسئولیت مدنی دارد؟ آیا می‌توان از قاعده ای حقوقی با این نام و به ویژه در حقوق مسئولیت مدنی، یاد کرد؟ مؤلفه‌ها و ارکان این قاعده کدامند؟ پاسخ به این پرسشها به ویژه در ادبیات حقوقی اسلام و ایران چندان روشن نیست. در این نوشتار به تحلیل مفهوم حقوقی حسن نیت، به ویژه در حقوق مسئولیت مدنی، پرداخته شده و بیان می‌شود که حسن نیت نه تنها واقعه حقوقی بلکه قاعده ای حقوقی است. در ادامه مجاری طرح و تأثیر آن تعیین و ارکان مادی و معنوی تحقق موضوع آن تبیین می‌شود.

واژگان کلیدی:

حسن نیت، سوء نیت، مسئولیت مدنی، حقوق تطبیقی، حقوق اسلام.

مقدمه

از طرح مسئله حسن نیت در ادبیات مکتوب حقوقی ما زمان زیادی نمی‌گذرد. بحث‌هایی نسبتاً اندک که در این باره صورت گرفته است، به پیروی از حقوق خارجی، عمدتاً ناظر به حوزه حقوق قراردادها است. در حوزه وقایع حقوقی و به ویژه مسئولیت مدنی تحقیقی شناخته شده در این باره دیده نمی‌شود. حتی با محاسبه پژوهش‌های خارجی، هنوز مفهوم حسن نیت و مؤلفه‌های آن به عنوان اصل یا قاعده حقوقی با ابهامات زیاد مواجه است. این نوشتار در صدد است تا حتی المقدور پاره‌ای از این ابهامات را روشن کند؛ به ویژه که تصور این موضوع به مراتب دشوارتر از تصدیق احکام آن است.

برای شناسایی دقیق مفهوم «حسن نیت»، لازم است مفهوم «سوء نیت» نیز مورد باز شناسی قرار گیرد. و چون واژگان حسن نیت و سوء نیت در بسیاری از موارد در قالب عناوین فرعی دیگر بکار می‌روند که در جای خود واژگان کلیدی به شمار می‌آیند، شایسته است از این قبیل اصطلاحات نیز در جای خود تعریفی مشخص ارائه شود. بنابراین، به واژگان مترادف آنها نیز اشاره می‌شود. از سوی دیگر، قاعده حسن نیت در نظام حقوقی ایران و اسلام در قالب قواعد دیگری جریان می‌یابد، در نتیجه لازم است اشاره‌ای به مجاری عملکرد آن نیز بشود؛ و در نهایت ارکان و مؤلفه‌های قاعده حقوقی حسن نیت مورد شناسایی قرار گیرند.

نخست: حسن نیت

الف. مفهوم لغوی

در فرهنگ عمومی انگلیسی «حسن نیت» اغلب با واژگان: «Good faith» و «Bona fide» بیان می‌شود. و عبارات «In good faith» و «Sincerely» بیان‌کننده حالت قیدی آن یعنی «از روی حسن نیت» هستند (Hawker, 2003, p.266).

در فرهنگ عمومی زبان فرانسه «حسن نیت» عمدتاً با واژه «Bonne Foi» بیان می‌شود. و عبارات ترکیبی «en (toute) bonne foi»، «De Bonne foi» و «Sincèrement» نیز به معنی «باکمال حسن نیت» بکار می‌روند (Baratin & Baratin, 1999, p: 273; Rey, 1998, P: 566 & 567; Larousse, 2000, P: 176 & 177).

در فرهنگ عمومی عربی عناوین «حسن النیه»، «حسن القصد»، «حسن الطویه» و «سلامه النیه» بیانگر مفهوم «حسن نیت» هستند. لیکن این مفهوم اغلب با واژه «حسن النیه» بیان می‌شود. و عبارات «بحسن نیه»، «عن حسن نیه»، «بحسن قصد» و «عن حسن قصد» نیز به عنوان «قید» و به مفهوم «از روی حسن نیت» مورد استفاده قرار می‌گیرند (البلبکی، همان، ص ۶۹۸؛ الفاروقی، ۱۹۹۹، ص ۳۱۸).

از هم اکنون به نظر می‌رسد که درک آن از یک سو سهل و آسان و از سویی دیگر ممتنع و ناممکن است. سهل است زیرا همه ما نوعی ادراک درونی از «حسن نیت» و «صداقت» داریم؛ و ممتنع است، چون حالتی درونی و پنهان و دارای ماهیتی انعطاف پذیر است؛ و ادراک آن با ابزارهای درونی شناخت صورت می‌گیرد، و ابزارهای فیزیکی معرفت تنها مقدمه شناسایی آن هستند. بنابراین، ارائه تعریف تعیین کننده و تا حدودی کمی از مفهوم لغوی آن کاری دشوار است.

ب. مفهوم حقوقی

۱. **خانواده حقوقی کامن لا؛** در ادبیات حقوقی امریکا به عنوان عضو مهم خانواده کامن لا، «حسن نیت» عبارت است از کیفیتی نامحسوس و غیر ملموس؛ بدون معنی، تعریف و قلمرو مشخص قانونی. «حسن نیت» یعنی باور و اعتقادی صادقانه داشتن، فقدان سوء نیت، فقدان طرح و نقشه برای تقلب و کلاهبرداری و یا در صدد سود و مزیتی نامعقول و گزاف نبودن. «حسن نیت» شخص عبارت است از نوع نیت، اعتقاد و باور درونی و باطنی او. بنابراین، به صرف ادعای او نمی‌توان آن را به طور قاطع و نهایی ثابت کرد.

حسن نیت، یعنی «صداقت در قصد و نیت و فقدان علم و اطلاع از اوضاع و شرایطی که واجد چنین اطلاعاتی را وادار به جست و جو و کنجکاوی می‌کند. [یعنی اگر فرد متعارفی دارای چنین اطلاعاتی باشد، ناگزیر دچار شک و تردید شده و به تحقیق و جست و جو می‌پردازد و در صدد کشف واقعیت امر بر می‌آید و بدون تحقیق و جست و جو اقدام نمی‌کند].»

به عبارت دیگر، «حسن نیت» یعنی قصد صادقانه نسبت به خودداری از گرفتن هرگونه سود و منفعت گزاف و نامعقول از دیگری، حتی از راههای قانونی؛ همچنین فقدان هرگونه اطلاعات، هشدار، منفعت و یا باور به واقعیاتی که باعث غیرمعقول و گزاف شدن معامله می‌شود. چنانکه در عرف عمومی آمده است؛ «حسن نیت» گویای این است که وضعیت ذهنی دلالت بر قصد صادقانه می‌کند و قصد تقلب و کلاه برداری وجود ندارد و در یک کلام، صداقت، وفاداری و پایبندی به تعهد و وظیفه وجود دارد.

در [ucc] «حسن نیت» به «صداقت در عمل، یعنی در برخورد یا معامله» (UCC, § 1 - 201) و در خصوص تاجر، به «صداقت در عمل و رعایت معقول و متعارف استانداردهای تجاری معامله منصفانه در هنگام معامله» تعریف شده است (UCC, § 2 - 103[1] [b]). همچنین در فرهنگ حقوقی امریکا واژه «Bona fide» بسیار نزدیک به «Good faith» بلکه مترادف با آن است؛ و به معنی، در حسن نیت یا با حسن نیت؛ صادقانه، شفاف و آشکار،

مخلصانه، بدون تقلب و فریب کاری، با شرافت، به طور واقعی، بدون تظاهر و وانمود کردن؛ از روی بی تقصیری و بی گناهی؛ در حالت امانت و اعتماد بودن؛ بدون آگاهی از فریب کاری، به طور حقیقی، خالص و درست بودن؛ و جعلی و مصنوعی نبودن بکار می‌رود UCC, § 1-201 (403-2, § (9)).

توجه به مصادیق عمده و برخی فروع حسن نیت از قبیل: **تاجر با حسن نیت**، بیمه **گذار با حسن نیت**، «توافق با حسن نیت»، «اشتباه با حسن نیت»، «دارنده با حسن نیت»، «بستانکار با حسن نیت»، «رهن با حسن نیت»، «شرط شغلی صادقانه»، «متصدی با حسن نیت»، «متصرف با حسن نیت»، «سکونت با حسن نیت»، می‌تواند برای شناسایی آن سودمند باشد (Black, Ibid, p.177, 693; Esseks, 1990, p. 625-660).

در فرهنگ حقوقی انگلیس به عنوان عضو دیگر و بسیار مهم از خانواده کامن لا «Good faith» به مفهوم صداقت، و عملی که از روی حسن نیت و صادقانه انجام می‌شود، دانسته می‌شود. این مفهوم در قراردادهایی از قبیل قراردادهای مربوط به نمایندگی تجاری به طور تلویحی مطرح شده (Elizabeth, 2006, p.221) و واژه «Bona fide» نیز مترادف با آن و به معنی «با حسن نیت، صادقانه و بدون فریب» قلمداد شده است (Osborn, 2005, p. 189).

۲. خانواده حقوق نوشته؛ در فرهنگ حقوقی فرانسه که نماینده مهم خانواده رومی -

ژرمنی است «Bonne foi» که عموماً معادل حسن نیت بکار می‌رود، به وضعیتی گفته می‌شود که بیانگر قناعت یا تصمیم شخص در پایبندی به قانون است. و به دارنده چنین وضعیت و رابطه‌ای اجازه می‌دهد که از قساوت و خشکی قانون فاصله بگیرد (Cornu. 1987, p: 107)؛ و با استناد به ظاهر خشک آن، آن را برخلاف اهداف مورد نظر بکار نیندد. زیرا واژه «Foi» برگرفته از کلمه لاتینی «Fides» به مفهوم نیت، وثوق و اعتماد است؛ و در تعبیری مانند حسن نیت و سوء نیت دلالت می‌کند بر وضعیت نفسانی طرف قرارداد (مانند: در اشتباه بودن، اعتقاد داشتن، معرفت داشتن) و یا هر رفتار غیرمادی و معنوی او (مانند درستی یا نیرنگ او) در تشکیل عقد یا اجرای آن، در برابر طرف دیگر قرارداد و یا حتی نسبت به شخص ثالثی که به نوعی با قرارداد ارتباط دارد. و گاهی نیز مترادف با وفاداری و محترم شمردن است. چنان که گاهی به عقد نسبت داده شده و گفته می‌شود: «Sur foi du cotrat» یعنی براساس احترامی که عقد شایسته و مستوجب آن است (Ibid, p: 370). بنابراین، در ادبیات حقوقی فرانسه حسن نیت به دو معنی اصلی بکار می‌رود که هر یک خود زیرشاخه‌هایی به شرح زیر دارند:

۱-۲. اعتقاد نادرست مبنی بر وجود وضعیتی قانونی، مرتب و قاعده مند. این معنی خود

به صورت‌های زیر تحقق پیدا می‌کند:

۱-۱-۲. اعتقاد مبتنی بر جهل؛ مانند ازدواج خیالی و چک بلامحل... یعنی فرد معتقد است که ازدواج مشروع است و چک محل دارد.

۲-۱-۲. اعتقاد مبتنی ظاهری فریبنده: مانند نشانه‌های خارجی مبنی بر برخورداری طرف مقابل از سلطه و حق تصرف؛ از قبیل وکالت ظاهری و تصرف (وارث ظاهری)، در اینجا حسن نیت مبتنی بر فرض اشتباه است؛ لکن اشتباهی که در مقایسه با عیب رضا ضعیف تر است. و غیرعینی تر از اشتباه مشترک یا اشتباه تزلزل ناپذیر است که در روان شناسی اجتماعی مطرح می‌شود.

۲-۲. رفتار درست و صادقانه (یا دست کم طبیعی)؛ که به طور مشخص اجرای تعهد مستلزم آن است و برخورد درست و صادقانه. این معنی نیز دارای زیرشاخه‌هایی به این قرار است:

۲-۲-۱. نیت و دغدغه همکاری داشتن؛

۲-۲-۲. فقدان اراده سویی که نفعی برای آن (اراده سوء) در اجرای تعهد، یا تحصیل حق و یا برای یک متصرف با حسن نیت وجود دارد؛

۲-۲-۳. فقدان قصد سوء و مغرضانه (یا عدم اطلاع از سبب زیان آور): حسن نیت مستمر به ویژه در اجرای تعهدات قراردادی و همچنین در اکتساب حق و یا در اعمال و اجرای قدرت (در امور کیفری) ایفای نقش می‌کند؛ همان‌طور که عینا همین نقش را «تدلّیس قابل گذشت» (در تشکیل قرارداد) بازی می‌کند؛ البته با ماهیتی دیگر و مخصوص به خود؛

۲-۲-۴. حسن نیت به عنوان مبنای حقوق پشور؛ که دولتها و ماموران آنها را متعهد می‌کند که با نیتی سالم در احترام به قانون و پایبندی به تعهدات، عمل کنند. (تعهد به چنین رفتاری، به روش استدلال به ضد، اقتضاء می‌کند که دولت‌ها و ماموران آنها در روابط بین‌المللی مخفی کاری و تدلیس نکنند (Cornu, Ibid, p.370).

با توجه به تعاریف و کاربردهای مختلف ارائه شده از «حسن نیت»، می‌توان گفت که در ادبیات حقوقی، حسن نیت عبارت است از: برخورداری از باور و اعتقاد صادقانه در صد تقلب و کلاه برداری نبودن، فقدان علم و اطلاع معارض نسبت به عدم انطباق اعتقاد شخص با واقع یا غیرمجاز بودن رفتار او؛ و فقدان علم و اطلاعی که مستلزم تحقیق و جستجو در این باره باشد؛ قصد صادقانه نسبت به عدم تحصیل سود گزاف و نامعقول حتی از راههای قانونی و فقدان هرگونه علم و نشانه معارض با این قصد؛ قصد پای بندی به تعهدات؛ اعتقادی صادقانه به موضوعی (قضیه‌ای) نادرست و کاذب به دلیل جهل، وجود ظاهری فریبنده و مانند آن؛ رفتاری درست، صادقانه و طبیعی در مقابل تعهد به دلیل برخورداری از قصد تعاون و

همکاری، فقدان اراده سوء در تحصیل حق و منفعت، فقدان فریب کاری و تدلیس؛ و قصد احترام گذاشتن به قانون را داشتن.

و این حقیقت به شکل‌های مختلف محقق می‌شود که برخی از مهم‌ترین آنها عبارتند از: افشای کامل واقعیات اقتصادی خود توسط تاجر، رعایت استانداردهای تجارت منصفانه؛ پرداخت خسارت در چارچوبی شفاف و منصفانه بوسیله بیمه‌گر؛ فقدان آگاهی یا احتمال عقلایی نسبت به اصیل نبودن طرف معامله؛ عدم اطلاع از فریب کاری، عدم تظاهر به معامله و فقدان معامله صوری؛ صادقانه اشتباه کردن؛ پذیرش سند تجاری بدون آگاهی از وجود موانعی در راه دریافت وجه آن؛ حکمی مبنی بر وجود طلب را بدون تبانی تحصیل کردن؛ رهنی را بدون آگاهی از وجود عوض با ارزش برای دین در اختیار گرفتن؛ شرط شغلی صادقانه و بدون تبعیض قرار دادن؛ مالی را با اعتقاد به این که ملک او است و دیگری حقی نسبت به آن ندارد، متصرف شدن؛ کالا را بدون آگاهی از این که شخص ثالثی نسبت به آن حقی دارد، خریدن؛ کالای عمده را بدون اطلاع از وجود هرگونه دلیلی برخلاف قرارداد فروش، معامله کردن؛ به مفاد قرارداد پایبند بودن؛ برای یک کالا طلب ثمن مجدد نکردن، در رابطه خود با اشخاص دیگر به قانون اکتفا کردن؛ و از قانون برخلاف اهداف آن سوء استفاده نکردن.

ج. واژگان مرتبط با حسن نیت

به منظور تکمیل مفهوم شناسی «حسن نیت» و با توجه به اینکه این واژه مفهومی استقرایی است، شایسته به نظر می‌رسد که واژگان مرتبط با آن نیز به اختصار مورد اشاره قرار گیرند. این مفاهیم به دو دسته موافق و مترادف از یک سو و متقابل و متضاد از سوی دیگر تقسیم می‌شوند. ابتدا واژگان موافق و مترادف و سپس مفاهیم متقابل و متضاد مورد بررسی قرار می‌گیرند. چون مفاهیم متضاد زیر عنوان «سوء نیت» مطرح می‌شوند، در اینجا تنها به واژگان موافق و مترادف اشاره می‌شود. عمده ترین این مفاهیم عبارتند از: جهل، اشتباه، ابهام، خطا، غفلت، نسیان، سهو، غرر.

د: مجاری عملکرد حسن نیت

با توجه به اینکه حسن نیت در حقوق اسلام یک عنوان اصطیادی است و کمتر به طور مستقل مورد استناد قرار می‌گیرد؛ لازم است اشاره‌ای به مهم ترین مجاری عملکرد آن صورت گیرد. عمده ترین این مجاری عبارتند از: اضطرار، فریب خوردن (مغرور شدن)، احسان، استیمان و اکراه. از این مفاهیم به عنوان عوامل رافع مسئولیت مدنی یاد می‌شود.

دوم: سوء نیت**الف. مفهوم لغوی**

در فرهنگ عمومی انگلیسی «سوءنیت» اغلب با واژه «Bad faith» بیان می‌شود (Hawker, Ibid, p.266). در ادبیات عمومی فرانسه «سوءنیت» با واژه «Mauvaise foi» بیان می‌شود (Baratin, Ibid, P:273; Rey, Ibid, P: 566-567; Larouss, p: 176-177) و در فرهنگ عمومی عربی نیز «سوءالنیه»، «سوء القصد»، «نیه سیئه» بیانگر مفهوم «سوء نیت» هستند که اصطلاح نخست مشهورتر است (بعلیکی، همان، ص ۹۷۸؛ فاروقی، همان، ص ۱۹۶).

ب. مفهوم حقوقی

۱. **نظام حقوقی کامن لا؛** در فرهنگ حقوقی کامن لا در شرح «Bad faith» آمده است: «سوءنیت» متضاد «حسن نیت» است و عموماً در بردارنده و متضمن فریبی واقعی و سودمند؛ یا طرحی برای گمراه کردن یا فریب دادن دیگری؛ یا غفلت، قصور و مسامحه در انجام برخی تکالیف قانونی یا تعهدات قراردادی و یا امتناع از انجام آنها است، و ناشی از اشتباهی صادقانه نسبت به حق یا تکلیف نیست، بلکه ناشی از انگیزه‌هایی شوم، شرورانه، شیطانی و خودخواهانه است.

اصطلاح «سوءنیت» به سادگی قضاوت بد یا غفلت نیست، بلکه در بردارنده ارتکاب آگاهانه خطا به دلیل قصد غیرصادقانه یا انحراف از اخلاق است؛ عمل کردن براساس ایده منفی و نادرستی است که از غفلت و سهل انگاری ناشی شده، و ذهن در آن وضعیت به طور مثبت عمل می‌کند؛ و با عمل کردن براساس طرح مخفیانه و یا اراده بد، متفاوت است (Black, Ibid, P: 139).

۲. **نظام حقوق نوشته؛** در ادبیات حقوقی فرانسه نیز عنوان رایج برای «سوءنیت» «Mauvaise foi» است. و در شرح مفهوم آن گفته شده است که این اصطلاح از واژه عامیانه لاتینی (Malifatius) به معنی «کسی که در مسیر خطایی قرار دارد» گرفته شده است و مفهوم عام آن برعکس «حسن نیت» است. و در موارد خاص دارای معانی خاص تر به شرح زیر است:

۱-۲. **استفاده از جهل و ظاهر فریبنده در امور مدنی؛** در مورد محروم کردن شخصی که علاقه مند به استفاده از جهل و ظاهر فریبنده است، سوءنیت عبارت است از موقعیت کسی که از یک وضعیت قانونی که از عیب یا ماهیت فریبنده آن آگاه است (و یا باید آگاه باشد) بهره‌برداری می‌کند. البته، چنین فردی به صرف داشتن این موضع فریب کارانه، ممکن است

مجازات نیز بشود و کسی که در اینجا قصور کرده در واقع قصور و اظهار با سوءنیت را با هم جمع کرده است.

۲-۲. استفاده از جهل و ظاهر فریبنده در امور کیفری؛ در مورد اعمال مجازات های خاص نسبت به شخص علاقه مند به استفاده از جهل و ظاهر فریبنده؛ سوءنیت وضعیت کسی است که در برابر دیگری صاف و راست نیست، به ویژه هنگامی که از رفتار او کشف شود که در باطن امر، قصد ضرر زدن به دیگری را داشته است. معمولاً به سوءنیت، در صورت عدم اجرای عمدی قرارداد، «تدلیس» گفته می شود. همچنین، شکل های دیگری از عدم صداقت و درستی نیز سوءنیت به شمار می آیند؛ مانند، «غش» (در هنگام استفاده از ترفند و راههای تحریک کننده)، و «سوءاستفاده از حق» (در هنگامی که از ابزارهای قانونی استفاده می شود) (Cornu, *Ibid*, P. 521 – 522).

ج. مفاهیم مرتبط با سوء نیت

علم، عمد، قصد، انگیزه (داعی)، باور، رضایت و توجه، مهم ترین مفاهیم مرتبط با «سوءنیت» هستند؛ که باید مستقلاً مورد بحث قرار گیرند.

د. مجاری عملکرد سوء نیت

«غش»، «تدلیس» «تقلب نسبت به قانون»، «تدلیس ثالث (نجش)»، «اقدام زیاندار» و «سوءاستفاده از حق» فروعاً، مصادیق و انواع خاصی از «سوءنیت» به شمار می آیند، که هر یک به نوبه خود قاعده ای شناخته شده اند و نقش معینی در مسئولیت مدنی دارند. این مفاهیم به عنوان مبانی مسئولیت مدنی عمل می کنند و بیانگر نقش حسن نیت در آن حوزه هستند.

هـ. جمع بندی مفهوم حسن نیت

با توجه به مباحث پیشین، اکنون می توان تعریفی مشخص از حسن نیت ارائه داد. لکن ابتدا به عمده ترین مواضع در این باره اشاره می شود. اکثریت کشورهای که اصل حسن نیت را در قوانین موضوعه خود پذیرفته اند، تعریفی مشخص از آن ارایه نکرده و این امر را به عرف و رویه قضایی واگذار کرده اند. برخی از عالمان حقوق مفهوم حسن نیت را غیر قابل تعریف پنداشته اند (See: Powers, *Ibid*, P:1). و بعضی با اظهار یأس از امکان تعریف حسن نیت با مؤلفه های مثبت و ایجابی، در صدد معرفی آن با مفاهیم سلبی بر آمده اند (See: Robert, 1982, P:). (Cornu, *Ibid*, P: 370; 810, 818-820; Black, *Ibid*, p: 693)

گروهی دیگر بر این باورند که ارائه تعریفی ایجابی و با مؤلفه‌های اثباتی برای حسن نیت امکان دارد. در میان این گروه نیز دو گرایش وجود دارد: برخی معتقدند که حسن نیت در چارچوبهای مختلف تعریفی یکسان ندارد (Farnsworth, Ibid) و در مقابل برخی بر این باورند که می‌توان برای حسن نیت در همه موارد و چارچوب‌های مختلف تعریفی یکسان ارائه کرد (Carter, 2003, N. 19, P. 155). مفاد تعاریف ارائه شده از سوی این گروه چیزی جز همان مفهوم حقوقی پیش گفته نیست.

برخی از تعاریف ارائه شده بر منشأ پیدایش حسن نیت تکیه دارد و برخی بر آثار آن. از سوی دیگر، برخی از این تعاریف بر عنصر مادی اصل حسن نیت مبتنی است و برخی دیگر تنها بر عنصر معنوی آن.

بررسی و نقد تعاریف مزبور و ارائه تعریفی منطقی و جامع و مانع حتی اگر ممکن باشد از اهمیتی شایان بر خوردار نیست. مهم در اینجا دست یابی به جوهره و حقیقت حسن نیت و سپس تحلیل عناصر ذاتی آن به منظور رسیدن به نقش و کارکرد آن در حوزه حقوق مسئولیت مدنی است.

به نظر می‌رسد که این عنوان را باید بر اساس عناصر مادی و معنوی و ذاتی آن تعریف کرد تا حتی المقدور گویای مختصات ذاتی آن باشد. بنابر این، می‌توان گفت که به ویژه در حوزه مسئولیت مدنی «حسن نیت عبارت است از: قصد، نیت و تصمیم به رفتار قانونی، درست، معقول، استاندارد و متعارف با دیگران، و سودای ضرر زدن به آنها و کلاهبرداری نسبت به آنان و کسب منفعت و حق ناروا از آنها را در سر نداشتن. و عزم بر این که با دیگران همان‌طور که نسبت به خود می‌پسندیم، رفتار کردن».

در نتیجه، اصل حسن نیت در مسئولیت مدنی هنگامی مصداق پیدا می‌کند که شخص دارای حسن نیت، مرتکب رفتاری می‌شود و متعاقب آن ضرری به دیگری وارد می‌گردد که منسوب به این رفتار است و یا ادعا می‌شود که ناشی از آن رفتار می‌باشد.

سوم: تقابل حسن نیت و سوء نیت (قلمرو قاعده حسن نیت)

حسن نیت و سوء نیت دو مفهوم کلی هستند که ناگزیر یکی از نسبت‌های چهارگانه منطقی بین آنها وجود دارد. پرداختن به این مقایسه از این جهت اهمیت دارد که دقیقاً قلمرو صدق عنوان حسن نیت و سوء نیت را نشان می‌دهد. به ویژه در نتیجه این مقایسه معلوم خواهد شد که آیا هر عمل حقوقی یا هر واقعه حقوقی ناگزیر واجد عنصر حسن نیت یا سوء نیت خواهد بود؟ یا اینچنین نیست و چه بسا عمل یا واقعه حقوقی که واجد هیچ یک از این دو عنصر

نمی‌باشد. پاسخ دادن به این پرسش مستلزم بررسی دقیق رابطه دو مفهوم کلی حسن نیت و سوء نیت است.

شایان ذکر است که تعیین نسبت بین این دو مفهوم خود متأثر از این است که در چه قلمروی این مقایسه صورت گیرد؟ آیا مقصود مقایسه این دو مفهوم در حوزه اعمال حقوقی و وقایع حقوقی ارادی است؟ یا جغرافیای این مقایسه حتی شامل حوادث حقوقی غیرارادی نیز می‌شود؟ به این پرسش باید با توجه به قلمرو مسئولیت مدنی پاسخ داد. چون قلمرو مسئولیت مدنی اختصاصی به واقعه حقوقی ارادی ندارد؛ بلکه شامل حوادث حقوقی غیرارادی نیز می‌شود، پس مناسبات حسن نیت و سوء نیت را نیز باید در همین حوزه توصیف کرد.

همچنین، تأثیر یا عدم تأثیر حسن نیت در مسئولیت مدنی پیشاپیش متوقف از اثبات وجود آن در تحقق یک عمل یا واقعه حقوقی است و تنها پس از اثبات اصل وجود آن می‌توان از تأثیر یا عدم تأثیر این عنصر در پیدایش مسئولیت مدنی گفت و گو کرد. پس تبیین رابطه بین حسن نیت و سوء نیت مقدمه مهمی برای اثبات اصل وجود یا عدم آن در هر یک از اعمال و وقایع حقوقی است. زیرا، براساس برخی فروض از وجود یکی می‌توان عدم دیگری را اثبات کرد و در برخی فرض از وجود یکی عدم دیگری ثابت نمی‌شود.

الف. احتمالات ممکن؛ روشن است که حسن نیت و سوء نیت دو مفهوم مغایرند و این دوگانگی بین آنها، ذاتی است و در فرهنگ منطق و فلسفه از آن به تقابل یاد می‌شود. لکن عالمان منطق و فلسفه تقابل را منحصر در چهار نوع می‌دانند؛ زیرا دو امر متقابل یا هر دو وجودی هستند و یا هیچیک وجودی نیستند. در صورت اول، دو احتمال وجود دارد: یا دو امر وجودی در مرحله تصور به یکدیگر وابسته هستند که به این نوع تقابل «تضایف» گفته می‌شود. و اگر دو امر وجودی متقابل در مرحله تصور به یکدیگر وابسته نباشند، تقابل موجود بین آن دو «تضاد» نام دارد. در صورت دوم، یعنی اگر دو حقیقت متقابل هر دو وجودی نباشند، حتما یکی از آن دو وجودی خواهد بود؛ زیرا بین دو امر عدمی هرگز تقابلی بوجود نخواهد آمد. در این صورت نیز دو احتمال وجود دارد: یا بین آن دو حقیقت، موضوعی مشترک وجود دارد که می‌تواند به طور علی البدل یکی از آن دو حقیقت را بپذیرد که به این نوع تقابل «تقابل عدم و ملکه» گفته می‌شود؛ و یا چنین موضوع مشترکی بین دو حقیقت وجود ندارد که به این نوع تقابل «تقابل تناقض» می‌گویند. مانند تقابل بین نفی و اثبات؟ (ر. ک: علامه حلی، ۱۳۶۳؛ صص ۳۲-۳۴؛ علامه طباطبائی، ۱۳۶۲، صص ۱۴۶-۱۵۳ و ۱۳۶۳، صص ۱۰۹-۱۱۵).

اما تقابل بین حسن نیت و سوء نیت از کدام نوع است؟ آیا حسن نیت و سوء نیت دو امر وجودیند؟ یا تنها یکی از آن دو امر وجودی و دیگری عدمی است؟ به نظر می‌رسد که بین این دو مفهوم در اصل وجود و عدم و چگونگی آن ملازمه وجود ندارد، و در نتیجه متضائقین

نیستند. همچنین تقابل تناقض تنها بین قضایا مطرح می‌شود؛ حال آن که در اینجا نسبت بین دو مفهوم و دو حقیقت مطرح است. بنابراین، نسبت بین آن دو تناقض نیست. پس مهم این است که معلوم شود که آیا نسبت بین آن دو تقابل تضاد است یا تقابل عدم و ملکه؟

ب. تقابل تضاد، از این جهت که ممکن است کاری بطور غیرارادی صادر شده و موجب بروز خسارت و تحت شرایطی مسئولیت مدنی شود، پس مصادیقی از فعل زیانبار وجود دارد که در آن نه حسن نیت وجود دارد، نه سوء نیت، و این وضعیتی است که هم در تقابل تضاد وجود دارد و هم در تقابل عدم و ملکه. لکن امکان متفی شدن هر دو ماهیت متقابل در تقابل تضاد با وجود این امکان در تقابل عدم و ملکه یک تفاوت اساسی تفاوت دارد و آن این که، انتقای هر دو ماهیت متقابل در تقابل عدم و ملکه تنها در صورتی است که موضوع شأنت و قابلیت اتصاف به هیچ یک از دو حقیقت را ندارد؛ حال آنکه در تقابل تضاد امکان عدم اتصاف موضوع به هیچ یک از دو حقیقت، ناشی از عدم قابلیت موضوع برای اتصاف به هیچ یک از آن دو نیست؛ بلکه با وجود این قابلیت به دلیل نسبی بودن این تقابل و وجود احتمالات دیگر و وجود حقیقت های دیگری بین این دو حقیقت، موضوع به صفت و حقیقتی دیگر متصف می‌شود.

ج. تقابل عدم و ملکه؛ به نظر می‌رسد که عدم اتصاف پاره‌ای از وقایع و حوادث حقوقی به حسن نیت یا سوء نیت ناشی از این است که در اصل، موضوع و واقعه به دلیل عدم برخوردارگی از عنصر قصد و اراده؛ قابلیت اتصاف به هیچیک از این دو حقیقت را ندارد. نه به دلیل این که با وجود برخوردارگی از این قابلیت به هیچ یک از آن دو متصف نشده است. پس تقابل بین حسن نیت و سوء نیت از نوع «عدم و ملکه» است.

نتیجه مهمی که از این بحث گرفته می‌شود این است که بررسی نقش حسن نیت در مسئولیت مدنی را نباید در گستره هر واقعه حقوقی که مسئولیت مدنی را در پی دارد، دنبال کرد؛ یعنی نباید هر حادثه را الزاماً متصف به یکی از این دو ویژگی کرده و اثر آن در مسئولیت مدنی را مورد بحث قرار داد؛ بلکه تنها آن دسته از وقایع حقوقی در قلمرو این پژوهش قرار می‌گیرند که قابلیت اتصاف به حسن نیت و سوء نیت را داشته باشند؛ یعنی واجد عنصر قصد و ارادی بودن، باشند. بخش عمده این قبیل وقایع از طریق قواعد و مفاهیمی که تحت عنوان مجاری عملکرد حسن نیت و سوء نیت از آنها یاد شد، شناسایی می‌شوند.

چهارم: ارکان قاعده حسن نیت

شایسته است براساس تعریف پیش گفته، ارکان مادی و معنوی حسن نیت مورد واکاوی قرار گیرند تا به شکلی قاطع تر بتوان نسبت به موارد صدق آن و در نتیجه کار کرد آن در مسئولیت مدنی به داوری پرداخت. عناصر و ارکان لازم جهت تحقق و طرح قاعده حسن نیت در مسئولیت مدنی را می‌توان به دو نوع عنصر مادی و معنوی تقسیم کرد. هر یک از این دو جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرند.

الف. رکن مادی قاعده حسن نیت؛ سخن گفتن از کارکرد حسن نیت در مسئولیت مدنی هنگامی مطرح می‌شود که کاری از شخصی سر زند و خسارتی را به دیگری وارد کند. بنابراین، طرح مسئله یا اصل حسن نیت بدون تحقق رفتاری متناسب به فردی که ادعا می‌شود مسئولیت مدنی دارد، محقق نمی‌شود. به عبارت دیگر، حسن نیت نوعاً در هنگام بروز عملی غیرقانونی یا در زمان پیدایش منشأ این وضعیت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (Vanel, Ibid, No. 27). قاعده حسن نیت علاوه بر رکن معنوی که وجه بارز این قاعده را تشکیل می‌دهد، نیازمند عنصر اندکی ناپیدا تر مادی نیز هست. به عبارت دیگر، از منظر فلسفی و مباحث وجود شناختی حسن نیت حقیقتی است که تحقق آن نیازمند وجود متعلق و مفعول است، و حسن نیت بدون وجود آن در خارج محقق نمی‌شود. متعلق حسن نیت ممکن است فعل، ترک فعل، گفتار و یا حتی سکوت باشد. هر یک از این موارد به اختصار مورد شناسایی قرار می‌گیرند.

۱. فعل مثبت (حسن نیت در فعل)؛ طبق تعریف ارائه شده، حسن نیت عبارت است از قصد و تصمیم به رفتار کردن با دیگران چنانکه می‌خواهیم دیگران با ما رفتار کنند. در اغلب موارد متعلق و مفعول و به تعبیر دقیق تر، ظرف تحقق چنین ماهیتی انجام فعل مثبت است؛ اعم از این که فعل مثبت مادی باشد و یا فعل مثبت حقوقی که آن نیز با مظاهر مادی نمود پیدا کرده و ابراز می‌شود؛ اگر چه، در این نوشتار نگاه اصلی به فعل مادی است و نه حقوقی.

به بیان دیگر، رفتاری زیانبار که ظرف تحقق حسن نیت یا سوء نیت است در غالب موارد فعل مثبتی است که عنوانی حقوقی به خود می‌گیرد و آن عنوان خود موضوع حکمی حقوقی می‌شود؛ و در اینجا آن حکم ممکن است اثبات یا نفی مسولیت مدنی باشد. گاهی از فعل زیانبار با عنوان تقصیر نیز بحث می‌شود (ر.ک. کاتوزیان، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۳۱۰ و ۳۳۴-۳۵۴).

ملاک تقصیر هر چه باشد، بدون تردید تحقق عنصر مادی آن در بیشتر موارد در قالب انجام یک فعل مثبت تحقق پیدا می‌کند. چنانکه ماده ۹۵۳ ق.م.تقصیر را اعم از تعدی و تفریط، تعریف کرده است. و در ماده ۹۵۱ ق.م.تعدی «تجاوز نمودن از حدود اذن یا متعارف» قلمداد شده است. به قرینه مقابله مفهوم تعدی با مفهوم تفریط که در ماده ۹۵۲ ق.م. «ترک فعل»

دانسته شده است، به خوبی آشکار می‌شود که از منظر قانون مدنی تعدی به صورت فعل مثبت تحقق پیدا می‌کند.

بنابراین، عنصر مادی تحقق قاعده حسن نیت در بسیاری از موارد فعل مثبت است؛ و از جمله، «احسان» که از مجاری عملکرد حسن نیت است، اغلب در بستر فعل مثبت محقق می‌شود.

۲. ترک فعل (حسن نیت در ترک فعل)؛ حسن نیت ممکن است نسبت به ترک فعل محقق شود و شخص حسن نیت خود را در قالب خودداری از انجام کاری که قادر به انجام آن بوده است، ابراز کند. ولی به دلیل ترک فعل مزبور از جانب او، به دیگری ضرری وارد شود. همانطور که سوء نیت نیز می‌تواند در بستر ترک فعل پدید آید. به عبارت دیگر، رفتار زیانبار و تقصیر ممکن است ترک فعل باشد، چنانکه ماده ۹۵۲ ق.م.تفریط را که یکی از انواع تقصیر است، به «ترک عملی که به موجب قرارداد یا متعارف برای حفظ مال غیر لازم است.» تعریف کرده است. از جمله اکراه که از مجاری عملکرد حسن نیت است، ممکن است به صورت تهدید به ترک فعل باشد و شخص در نتیجه آن، با حسن نیت فعلی را ترک کند و در پی آن به دیگری خسارتی وارد آید.

۳. گفتار و نوشتار (حسن نیت در گفتار و نوشتار)؛ گفتار و نوشتار ممکن است تحت شرایطی یک حادثه و واقعه حقوقی باشد و به طور مشخص موجب رفتار زیانبار شود و مسئولیت مدنی در پی داشته باشد. مانند این که شخص در نتیجه مغرور شدن و بدون این که اطلاعی از واقعیت داشته باشد، مبادرت به گفتن یا نوشتن مطالبی کند و در پی اظهارات او و ترتیب اثر دادن به این اظهارات از سوی مخاطب یا مخاطبان به آنها ضرری وارد شود. بنابراین، حسن نیت ممکن است در محیط گفتار یا نوشتار محقق شود. همچنانکه مفهوم مقابل آن یعنی سوء نیت نیز گاهی در قالب گفتار یا نوشتار پدید می‌آید؛ مثلاً گاهی عنصر مادی تدلیس را که یکی از مجاری عملکرد سوء نیت است، گفتار یا نوشتار تشکیل می‌دهد. ک. اوصیاء، ۱۳۶۱، ص ۳۲۳-۳۲۷؛ امامی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۵۱۲.

۴. سکوت (حسن نیت در سکوت)؛ سکوت نیز ممکن است از روی حسن نیت یا سوء نیت باشد. سکوت را از جهت منشأ و مبنای تحقق آن می‌توان به دو نوع تقسیم کرد: سکوتی که ناشی از غفلت و عدم توجه است و به طور غیر ارادی محقق می‌شود؛ و آن را «سکوت صریح»، یا «سکوت محض» می‌توان نام نهاد؛ و سکوتی که با علم و توجه و به طور ارادی صورت می‌گیرد؛ و به آن «سکوت ارادی و آگاهانه» یا «کتمان» گفته می‌شود. در حقیقت، نوع اول فقدان موضع است و نوع دوم نوعی موضع‌گیری و رفتار معنا دار.

بدیهی است که نوع اول را نمی‌توان واقعه‌ای حقوقی پنداشت که موجب مسئولیت مدنی می‌شود، مگر این که در شرایط خاصی و به دلیل مصالحتی از سوی قانون‌گذار در حکم «سکوت ارادی» قلمداد شود؛ و چنان فرض شود که گویا صاحب آن آگاهانه و بطور ارادی سکوت کرده است. لکن، نوع دوم همان‌طور که می‌تواند در فضای تحقق عمل حقوقی موثر واقع شود، ممکن است تشکیل دهنده یک واقعه حقوقی باشد؛ و چون متعلق قصد و اراده قرار می‌گیرد، پس ممکن است محیطی برای تحقق حسن نیت یا سوء نیت باشد. یعنی سکوت ارادی و آگاهانه ممکن است به منظور مخفی کردن یک واقعیت و با سوء نیت، مثلاً به قصد فریب دیگری، صورت گیرد؛ و یا به قصد احسان و جلو گیری از آثار و تبعات سوء بیان واقعیت نسبت به مخاطب.

بنابراین، در جایی که سخن گفتن و اظهار واقعیتی برای شخص آگاه و متوجه لازم باشد، و وی آن واقعیت را کتمان کند، ممکن است این سکوت او تحت عنوان یکی از عناوین توجیه کننده مسئولیت مدنی، موجب مسئولیت شود (اوصیاء، همان‌ص ۳۳۲) و هر گاه علی‌رغم این که در واقع ابراز این واقعیت لازم است، شخص در نتیجه جهل مرکب یا گمان و اطمینان خلاف، مبنی بر این که اظهار واقعیت مزبور به زیان مخاطب است، از ابراز آن عالمانه و با حسن نیت خود داری کند، این بحث مطرح می‌شود که آیا حسن نیت او تأثیری در ممانعت یا تخفیف مسئولیت مدنی او دارد؟ یا خیر؟ پس، بدون تردید، سکوت ارادی می‌تواند تشکیل دهنده عنصر مادی حسن نیت یا سوء نیت باشد. در حقوق خارجی نیز به ضرورت وجود رکن مادی برای قاعده حسن نیت توجه شده است (Unknown, 1910, Vol. 19, No. 3, p. 197-201).

ب. رکن معنوی قاعده حسن نیت

گفته شد که وجه بارز قاعده حسن نیت عنصر معنوی و روانی آن است و این واقعیت از عنوان آن نیز بر می‌آید. با توجه به آنچه در تعریف حسن نیت گفته شد، حسن نیت در اصل وضعیتی روانی و نفسانی است که در بستر مادی محقق می‌شود. بنابراین، رکن مهم تر و تعیین کننده تر آن رکن معنوی است. طبق قاعده حسن نیت، شخص قصد خیر خواهی نسبت به دیگری را دارد، یا دست کم قصد بد خواهی نسبت به وی را ندارد. لکن در نتیجه رفتاری که با این قصد از وی سر زده است، به دیگری خسارتی وارد می‌آید. بنابراین، می‌توان گفت که رکن معنوی این قاعده قصد و نیت درست، خیر خواهانه رفتار کردن نسبت به دیگری یا دست کم فقدان قصد اضرار و بد خواهی نسبت به او است. جهت تحقق رکن معنوی حسن نیت لازم است: اولاً، قصد و نیت انجام کار وجود داشته باشد؛ ثانیاً، نسبت به آثار و نتایج مترتب بر عمل نیز رضایتمندی موجود باشد؛

ثالثاً، فاعل بر این باور باشد که این عمل و آثار مترتب بر آن به نفع و صلاح مخاطب است و یا دست کم به ضرر او نیست؛

رابعاً، این باور و اعتقاد فاعل بر خلاف واقع باشد و عمل مزبور منجر به ضرر زدن به مخاطب شود. پس برای محقق شدن قاعده حسن نیت وجود چهار عنصر: قصد، رضایت، باور به نافع بودن یا مضر نبودن، و خلاف واقع بودن این باور لازم است. شرح مختصر هر یک از این عناصر به قرار زیر است:

۱. قصد انجام رکن مادی؛ چنانکه در بحث از قلمرو حسن نیت و سوء نیت گفته شد، تقابل بین این دو مفهوم از نوع تقابل عدم و ملکه است، یعنی وجود و عدم حسن نیت تنها در جایی مورد و معنی پیدا می کند که حادثه حقوقی بطور ارادی و از روی قصد تحقق پیدا کند؛ و آن دسته از وقایع حقوقی که قهری و غیر ارادی اند از قلمرو این بحث خارج هستند. پس نخستین عنصر لازم برای شکل گیری رکن معنوی حسن نیت این است که فاعل قصد انجام کار و نتایج مرتب بر آن را داشته باشد و عمل زیانبار صادر شده از او غیر ارادی و قهری نباشد. در غیر این صورت، عدم تاثیر حسن نیت در آثار حقوقی آن از قبیل سالبه به انتفاء موضوع خواهد بود.

۲. رضایت به آثار انجام رکن مادی؛ جهت شکل گیری رکن معنوی و روانی حسن نیت، فاعل باید به ترتب آثار واقعی و خارجی آن رفتار نیز رضایت داشته باشد. به عبارت دیگر، علاوه بر قصد فعل یا ترک فعل؛ و قصد نتیجه آن، رضایت به آنها نیز داشته باشد. در غیر این صورت، مقومات تشکیل نیت پدید نمی آید.

۳. باور به نافع بودن یا مضر نبودن عمل؛ شخص با حسن نیت دارای انگیزه خیرخواهانه است و یا دست کم در پی بد خواهی و اضرار نیست. این حقیقت در صورتی بوجود می آید که فاعل باور به نافع بودن رفتار خویش داشته باشد و یا حداقل بر این باور باشد که رفتار او موجب ورود ضرر به دیگران نمی شود. در غیر این صورت با توجه به این فرض که در هر کار ارادی حتما انگیزه‌ای وجود دارد؛ و این که در عمل رفتار او موجبات ضرر دیگری را فراهم کرده است؛ و به قرینه مقابله، حتما وی در کار خود سوء نیت داشته است.

اگر عمل از روی حسن نیت را همانند عمل اخلاقی بدانیم که حسن فاعلی دارد ولی حسن فعلی ندارد، عناصر سه گانه مزبور تأمین کننده حسن فاعلی عمل زیانباری هستند که از روی حسن نیت انجام شده است. و عنصر چهارم، یعنی خلاف واقع بودن باور فاعل، امری است خارج از اختیار و اراده او؛ لکن چون صادق یا کاذب بودن، صفت این باورند؛ پس باید آن را به عنوان عنصر چهارم و نهایی رکن معنوی حسن نیت به شمار آورد.

۴. **خلاف واقع بودن باور فاعل؛** بدیهی است که اگر باورِ فاعل مطابق با واقع باشد، و رفتار او نفعی برای مخاطب به دنبال داشته و یا دست کم زیانی به او نرساند، موردی برای تحقق مسئولیت مدنی و در نتیجه بحث از تاثیر حسن نیت پیش نمی آید، پس خلاف واقع بودن باور فاعل مبنی بر نافع بودن یا مضر نبودن رفتار او عنصر لازم برای تحقق قاعده حسن نیت است. به بیان دیگر، عدم تطابق بین رکن معنوی و رکن مادی و حسن فاعلی و حسن فعلی شرط دیگر تحقق این قاعده است.

نتیجه

از منظر حقوقی حسن نیت گاهی به عنوان یک واقعه حقوقی؛ و گاهی به مثابه یک قاعده حقوقی شایسته بحث و بررسی است. می توان گفت که حسن نیت به عنوان یک واقعه حقوقی عبارت است از: «قصد، نیت و تصمیم به رفتار قانونی، درست، معقول، استاندارد و متعارف با دیگران؛ و سودای ضرر زدن به آنها و کلاهبرداری نسبت به آنان و کسب منفعت و حق ناروا از آنها را در سر نداشتن؛ و عزم بر این که با دیگران همان طور که نسبت به خود می پسندیم، رفتار کردن.» و تقابل بین مفهوم حسن نیت و سوء نیت از نوع سلب و ایجاب است؛ و در نتیجه بحث از نقش حسن نیت تنها در وقایع حقوقی ارادی و عمدی مطرح می گردد. حسن نیت به عنوان قاعده حقوقی دارای ارکان و مؤلفه های خاص مادی و معنوی است که در این نوشتار تبیین گردیده است. در حقوق اسلام و ایران حسن نیت در هر دو وجهش تحت عناوین و قاعده های خاصی مطرح گردیده و در این مقاله به عمده ترین آنها اشاره شده است.

منابع و مأخذ

الف- فارسی

۱. اوصیاء، پرویز (۱۳۶۱) تدلیس، تحولات حقوق خصوصی، تهران: انتشارات انشگاه تهران.
۲. امامی، دکتر سید حسن (۱۳۶۸)، حقوق مدنی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۲) محشی قانون مدنی، تهران: گنج دانش.
۴. ----- (۱۳۶۱)، دایره المعارف علوم اسلامی، ج ۳، تهران: گنج دانش.
۵. کاتوزیان، دکتر ناصر (۱۳۷۸)، الزام های خارج از قرارداد، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. ----- (۱۳۷۲) قواعد عمومی قراردادها، ج ۱، تهران: بهمنشیر.
۷. هاشمی، سید محمود (۱۳۸۴) فرهنگ فقه، قم: دایره المعارف فقه اسلامی.

ب- عربی

۱. ابن منظور، (۱۹۹۶) لسان العرب، بیروت: دار احیاء التراث.

۲. اصفهانی، راغب (۱۴۱۲)، مفردات لالفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم.
۳. بعلبکی، د. ریحی (۲۰۰۴)، المورد الثلاثی، بیروت: دارالعلم للملایین.
۴. حلی، علامه (۱۳۶۳)، جوهر النضید؛ قم: انتشارات بیدار.
۵. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۶۲)، نهاية الحکمة؛ قم: نشر اسلامی.
۶. ----- (۱۳۶۳)، بداية الحکمة؛ قم: مؤسسة نشر اسلامی.
۷. فاروقی، (۱۹۹۱) حارث سلیمان، المعجم القانوني، بیروت: مکتبه لبنان.
۸. وزارة الاوقاف و شئون الاسلاميه (۱۴۰۸-۱۴۱۴)، الموسوعه الفقهيه، کویت: وزارة الاوقاف و شئون الاسلاميه للکویت.

ج- خارجی

۱. انگلیسی

- 1-Audi, Robert, (May, 1994), *Volition, Intention, and Responsibility*, University of Pennsylvania Law Review, Vol. 142, No. 5, pp. 1675-1704.
- 2- Black, H. C (1993) *Black's Law Dictionary*, 6th Ed, 7th reprint, U. S. A: west publishing Co.
- 3-Bratman . Michael E, (May, 1994), *Moore on Intention and Volition*, University of Pennsylvania Law Review, Vol. 142, No. 5, pp. 1705-1718.
- 4-Cane, Peter (1997) *The Anatomy of Tort Law*, UK: " HART publishing, Oxford.
- 5-Carter, J.w, and penden, Elizabeth, (2003) "*Good faith in Australian contract Law*" Journal of contract law, 19,P: 155.
- 6- Curzun. L, B (1998) *Dictionary of law*, London: Financial Times/Pitman Pub.
- 7- Esseks. D. Clark (Dec., 1990) *Errors in Good Faith: The Leon Exception Six Years Later*, Michigan Law Review, Vol. 89, No. 3, pp. 625-660.
- 8- Elizabeth. A. Martin (2006) *Oxford Dictionary of law*, London: OXFORD university press.
- 9- Fransworth, E.Allen, (1998) *The Duties of Good faith and fair dealing under the UNIDROIT principles Relevant International conventions and national Law*, available in: www.cisg.pace-edu/cisg/biblio.
- 10- Finnis. John, (1995) *intention in Tort Law*, Oxford University, first published, P. 229-233.
- 11- Horder. Jeremy, (Sep, 1995) *Intention in the Criminal Law: A Rejoinder*, The Modern Law Review, Vol. 58, No. 5, pp. 678-691. Blackwell.
- 12- Lombardi. Jr .C. E, (Jan., 1951), *Liability for Misrepresentation Made with Honest Belief in Its Truth*, Michigan Law Review, Vol. 49, No. 3, pp. 450-452.
- 13- McBaine. J. P, (Sep., 1944), *Burden of Proof: Degrees of Belief* California Law Review, Vol. 32, No. 3, pp. 242-268.
- 14- Nicola Lacey, (Sep., 1993), *A Clear Concept of Intention: Elusive or Illusory?* The Modern Law Review, Vol. 56, No. 5, pp. 621-642, Blackwell.
- 15- Osborn (2005) *concise law Dictionry*, 10th Ed, London: SWEET & MAXWELL.
- 16-Powers Paul. J(1999) *Defining the indefinable: Good faith and the United Nation Convention on contracts for the international sale of Goods*, available in: www.cisg.pace-edu/cisg/biblio.
- 17- Robert, S. Summers, (1981- 1982), *The general duty of good faith, its recognition and conceptualization*, Cornell law Rew, 16, P: 810- 840.
- 18- Ross. Jenifer, (May, 1990), *Reason, Ground, Intention, Motive and Purpose*, The Modern Law Review, Vol. 53, No. 3, pp. 391-396, Blackwell.
- 19- Stewart. W. j (2001) *Collins Dictionary of law*, second edition, Collins.
- 20- Stoll Hans, (Winter, 1970) *Penal Purposes in the Law of Tort*, The American Journal of Comparative Law, Vol. 18, No. 1, pp. 3-21.
- 21- Summers. Robert. S, (1981- 1982), *The general duty of good faith, its recognition and conceptualization*, Cornell law Rew, 16, P: 810- 840.
- 22- Unknown, (Jan., 1910), *Diligence and Prudence as an Element of Good Faith*, The Yale Law Journal, Vol. 19, No. 3, pp. 197-201.

- 23- *Unknown*, (Jun., 1909), *Motive as an Element of Tort*, The Yale Law Journal, Vol. 18, No. 8, pp. 636-640.
- 24- Winfield and Jolowicz (1975) *on tort*, tenth edition by w. v. Rogers, London: SWEET & MAXWELL.

۲. فرانسه

- 1- (2000) *Larousse dictionnaire de français*, France: larousse.
- Baratin. M & Baratin - lorenzi. M, (1999) *Dictionnaire des synonymes*, 2^e edition, paris: HACHETE.
- 2- Cornu. G, (1987) *vocabulaire juridique*, 6^e edition, paris: presses universitaires de France.
- 3- Rey. A, (1998) *Le Robert micro*, paris: nouvelle édition.
- 4-Vanel Marguerite, Pierre Raynaud,(1970) *Encyclopédie Juridique*, 2^e Édition, Tome 1, Paris: Dalloz.